

از اربعین جامانده‌ام اما از سپاهت نه...

مراسم جاماندگان اربعین حسینی در تهران امسال هم باشکوه و به یادماندنی برگزار شد



ما جامانده نیستیم ما جامانده ایم
تا شهرمان را اربعینی کنیم، به دنیا ثابت کنیم
حسین بی سپاه نیست.

جامانده، عنوان غربی است که می‌تواند شامل حال هر دل شکسته‌ای باشد که به هزار و یک، دلیل سعادت حضور در کاروان زائران پیاده روی اربعین در مسیر نجف تا کربلا را امسال از دست داده باشد، اما برای آن زائرانی که دلشان همیشه در هوای دوست پر می‌زند، همواره فرصت دیگری فراهم است که قدم در راه عاشقی بگذارند و دل سبک کنند تا کمی آرام بگیرند، چون همیشه آن که نرفته است، بی‌قرار تر است. البته این را هم بگوییم که همیشه



شب
اربعین یک جامانده‌رانی می‌شود
به راحتی شرح داد، لیریز از اندوه
و حسرت است، یا حسرت خواهید. خواب دید زائر
بین الحرمین شده و خود را به کاروان جاماندگان رساند.



پیرزن
روی ویلچر در سیل جمعیت
به سمت کاروان جاماندگان
حرکت کرد و در دل گفت، نشد که پای پیاده به
در گهت برسم، و نخفه آوردم این دست‌های خالی را.



این بار هم
دلش فرمان داد که حرکت
کن به سوی کاروان پیاده روی
جاماندگان، این سفر، چشم دل می‌خواهد، ای
عاشق روشندل ابا عبدالله الحسین (ع).



با همه
نشانه‌های جوانی به خیل
کاروان جاماندگان پیوست و
سوزناک خواند، رفیق‌های محترم اقدم‌زنان سوی
حرم، برای دل شکسته‌ها، برای ما دعا کنید.



کاروان
جاماندگان چون موج در
حرکت بود و وطن گام‌هایشان
می‌گفت، غمی است در دل جامانده‌های کرب و بلا،
که هر چه هست، یقین دارم از حسادت نیست.



دلش
کشانده بودش به صف
پیاده روی جاماندگان، سر بلند
کرد تابلوی زیارت اربعین را سر راهش دید،
دل شکسته‌تر از همیشه لب‌هایش بی‌قرار جنتیید.



زائر
جامانده بساط وا کسی در
مسیر کاروان را دید. کنارش ایستاد
و با خود زمزمه کرد، به شوق کفش مرا وا کس زد
که فرق ندارد، چه از ضریح و چه از زائرش غبار بگیرم.



۴۰ روز و
شب در دناک پس از واقعه
عاشورا اسیری شده و دوباره شهر
پر از شور و شوق و شیدایی شده و حال عاشقان
جامانده تماشایی شده بود.